

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

SEPARATE OPINION

Cases Nos. 461, 462, 463, 464 & 465

Chamber Two

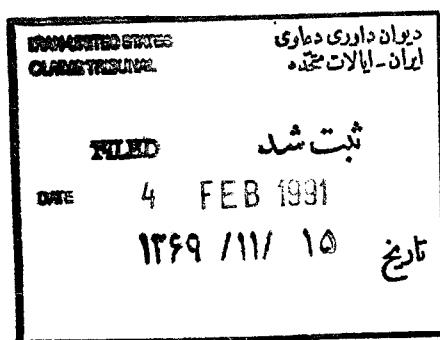
پرونده‌های شماره ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴ و ۴۶۵

۴۶۴ و ۴۶۵

شعبه دو

حکم شماره ۵۰۵-۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵-۲

DUPPLICATE
ORIGINAL
دليكنه کارام



پرونده شماره ۴۶۱
اردوان پیتر سمراد ،
خواهان،

- و -
دولت جمهوری اسلامی ایران ،
خوانده.

پرونده شماره ۴۶۲
پروین مریم سمراد ،
از جانب و به عنوان ولی قهری دختر صغیر خود ،
رویا سمراد ،
خواهان ،

- و -
دولت جمهوری اسلامی ایران ،
خوانده.

پرونده شماره ۴۶۳
پروین مریم سمراد ،
از جانب و به عنوان ولی قهری دختر خود ،
لیلا سمراد ،
خواهان ،

- و -
دولت جمهوری اسلامی ایران ،
خوانده.

پرونده شماره ۴۶۴
کیتی دیانا سمراد ،
خواهان،

- ۹ -
دولت جمهوری اسلامی ایران ،
خوانده.

پرونده شماره ۴۶۵
پروین مریم سمراد ،
خواهان،

- ۹ -
دولت جمهوری اسلامی ایران ،
خوانده.

نظر جدایانه جرج اچ آلدريج

مسائله تابعیت غالب و موئر خواهانها در طول دوره ذیربطة، به نظر من در هر یک از این پروندها مسائلهای است که اظهارنظر قطعی راجع به آن چندان آسان نیست. «نهایتاً» من با حکم صادره در مورد پرونده‌های شماره ۴۶۲، ۴۶۳ و ۴۶۵ موافق، و در مورد پرونده‌های شماره ۴۶۱ و ۴۶۴ که توسط دو نفر از فرزندان بزرگتر خانواده سمراد طرح شده است، مخالفم.

حکم صادره در این پروندها نشان می‌دهد که هنگامی که علائق اقتصادی خانواده‌ای در ایران متمرکز باشد، آنچنانکه در مورد خانواده سمراد مصدق دارد، قصد افراد دارای تابعیت دوگانه هنگام ورود به ایالات متحده، در مسائله تابعیت غالب و موئر آنها حائز اهمیت است و اثبات چنین قصدی مستلزم بذل کوشش است. در پرونده‌های حاضر چنین کوششی مبذول نشده است. پروین مریم سمراد، خواهان پرونده شماره ۴۶۵، در واقع ادعا کرده است که در اوت ۱۹۷۷ در ایالات متحده اقامت گزید تا دو فرزند کوچکتر خود را در آن کشور بزرگ و تربیت کند، لکن آن ادعا، در رابطه با دوره بعد از چنین تعلیم و تربیتی مبهم است. علاوه بر این، قصور وی در اثبات مدت زمانی که او از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ «اقعاً» در ایالات متحده بسر برده، همراه با این واقعیت که شوهر او ظاهراً در طول قسمت اعظم آن دوره در ایران و اروپا به سر می‌برد، موجب تضعیف ادعای وی می‌شود.

روشن است که زندگی و مشاغل اردوان پیتر و گیتی دیانا سمراد، در سالهای بعد از ۱۹۷۹ در ایالات متحده متمرکز بوده است. لذا در اینکه تابعیت امریکایی آنان اکنون غلبه دارد، شک و تردید نمی‌توان کرد. علیرغم این واقعیت که رویدادهای بعد از دوره ذیربطة، در تعیین تابعیت غالب در طول آن دوره حائز اهمیت‌اند، (پاراگراف ۱۴، قرار اعدادی شماره ۶۸-۱۹۳-۳ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳] ژوئن ۱۹۸۸) در پرونده رضا سعید مالک و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 48,51 (۱۹)

نبودن تابعیت امریکایی آنان در تاریخی که دعاویشان حسب اظهار به وجود آمد، یعنی ماه مه ۱۹۷۹ چندان آسان نیست. آنچه که موجب تضعیف دعاوی این دو نفر می‌شود، اینست که هیچیک از آنان نه تنها ادعا نمی‌کند، بلکه حتی اظهار نیز نمی‌دارد که هنگام ورود به ایالات متحده برای تحصیل در دانشگاه، قصد اقامت دائم در آن کشور داشت و بالعکس قصد وی آن نبود که پس از تحصیلات دانشگاهی، برای دنبال کردن علائق تجاری خانواده، که سهم قابل ملاحظه‌ای از آن نصیب هر یک از ایشان شده بود، به ایران بازگردد.

با وجود این، من معتقدم که اردوان پیتر و گیتی دیانا سمراد ادلہ و مدارک کافی برای توجیه این نتیجه‌گیری ارائه کرده‌اند که تابعیت غالب و موئثر آنان در طول دوره ذیربسطه، تابعیت ایالات متحده بوده است. آنان در ایالات متحده متولد شده‌اند و بدینسان، در سراسر عمر خود دارای تابعیت دوگانه بوده‌اند. ادلہ و مدارک پرونده موئید این ادعاست که آنان در طول سالهای اولیه زندگی خود که همراه والدین خویش در ایران به سر می‌بردند، کاملاً "جذب جامعه ایران نشدنده"، زیرا در خانه به زبان انگلیسی صحبت می‌کردند و غالباً به مدرسه امریکایی تهران می‌رفتند. آنان تحصیلات متوسطه خود را در مدارس بین‌المللی در سوئیس طی کردند، هر چند که در طول آن سالهای، برای گذراندن تعطیلات خود نزد خانواده‌شان در ایران بازمی‌گشتند. تحصیلات دانشگاهی آنان تماماً در ایالات متحده انجام شد. اردوان پیتر تحصیلات خود را در آن کشور در سال ۱۹۷۶ و گیتی دیانا در سال ۱۹۷۷ آغاز کرد.

در سنجش این ادلہ، من به دو دلیل با همکارانم اختلاف نظر دارم: اولاً "سالهای تحصیلات متوسطه اردوان پیتر و گیتی دیانا که در سوئیس صرف شده"، از نظر من پیوندهای آنان را با ایران و فرهنگ ایرانی قبل از ورود ایشان به ایالات متحده، سست کرده است. ثانیاً، معتقدم که زندگی دانشجویی در ایالات متحده موجب می‌شود که فرد به گونه‌ای عمیق و فراگیر که تا حدودی نیز گریزناپذیر است، جذب فرهنگ امریکا گردد، به خصوص جوانانی مثل اردوان پیتر و گیتی دیانا که شالوده قبلی محکمی در زبان و فرهنگ امریکا داشته‌اند.

با اظهار این مطلب، منظور من این نیست که در مورد هر دانشجوی دارای تابعیت مضاعف در ایالات متحده، می‌توان انتظار داشت که تابعیت امریکایی وی صرفاً پس از دو سه سال تحصیل در یک دانشگاه امریکایی غالب گردد، ولی معتقدم که دو خواهان یاد شده، با پیشینه ویژه‌ای که داشته‌اند، دلیل و مدرک کافی برای توجیه این نتیجه‌گیری ارائه کرده‌اند که تابعیت امریکایی آنان در ماه مه ۱۹۷۹، غالب شده بوده است.

لاهه، به تاریخ ۱۵/۱۱/۱۳۶۹ برابر با ۴۰/۲/۱۹۹۱



جرج اج. آلدربچ